

کلام جدید

جلسہ نہم: رابطہ بین شرور و ناملايمات دنيا با عدالت الهی - بخش اول

استاد احسان عبادی

تایپ و تنظیم:
محمد جواد اسماعیلی

1398

مقدمه

شرور و عدل الهی

انواع شرور و رابطه آن با وجود خدا

پاسخ به استدلال های آقای دیوید هیوم در مورد شرور و عدل الهی

پاسخ به استدلال های آقای جی. ال. مکی در مورد شرور و عدل الهی

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا
وَ عَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

السلام عليك يا مولانا يا صاحب العصر و الزمان، السلام عليك يا بقيه الله في ارضه.

خدایا ، در این لحظه و در تمام لحظات ، سرپرست و نگاهدار و راهبر و یاری گر و راهنما و دیدبان ولیّات ، حضرت حجّه بن الحسن ، که دروذهای تو بر او و بر پدرانش باد ، باش، تا او را به صورتی که خوشایند اوست ، و همه از او فرمانبری می‌نمایند ، ساکن زمین گردانیده ، و مدّت زمان طولانی در آن بهره‌مند سازی.

مقدمه

بحث مهم شرور و عدل الهی را شروع خواهیم کرد. از مباحث مهمی که چند قرنی است شیوع پیدا کرده و این را به عدالت و رحمانیت خدای متعال ربط می دهند. شرور جمع شر است و با شرور اشتباه نشود. شرور به آدم شر می گویند، اما شرور یعنی جمع شر یعنی بلاهایی که وجود دارد. شرور چطور با عدالت و مهربانی خدا جور در می آید. مبحث مهمی است و حتما باید گفته شود که خواهیم گفت. بحث اثبات خدا را از براهین فلسفی خواهیم گفت و بعد وارد مهمترین بحث کلام جدید یعنی هرمنوتیک خواهیم شد. بحث هرمنوتیک و تعدد قرائت ها مهمترین بحث کلام جدید است که به تعبیر آیت الله مصباح یزدی خطرناکترین شبهه تاریخ از زمان حضرت آدم تا زمان پس از ظهور است. به همین خاطر این مباحث باید خوب و صحیح جا بیفتد و بعد وارد بحث هرمنوتیک شویم. این مباحث را دوستان خوب بنویسند و بخوانند و در ذهن خودشان حلّاجی کنند و اگر دوستانی دارند مباحثه کنند و اگر سوالی است از ادمین کانال بپرسند تا به ما ارجاع دهند و رفع شبهه کنیم. مباحث را باید خوب استدلالی یاد بگیرید نه به صورت حفظیات.



شرور و عدل الهی

از مهمترین مباحثی که از چند قرن اخیر شیوع پیدا کرد بحث عدل الهی است و تناقضاتی که شرورها با عدال الهی دارند و حتی این قضیه باعث پیدایش ثنویت در برخی ادیان مانند زرتشتی انحرافی شده است. یعنی می گویند تمام خیرها را اهورامزدا و

خدای خیر می سازد و تمام شرها را اهریمن. یعنی دو نوع خدا داریم یکی خدای خیر و یکی خدای شر. باعث شد عده ای نسبت به خدا بدبین و کافر و ملحد شوند.

انواع شرور و رابطه آن با وجود خدا

برخی از شرورها ارادی و اخلاقی هستند که ناشی از انحطاطات اخلاقی انسانهاست. سقوط های اخلاقی که می کنند، مانند قتل، سرقت، ظلم و امثالهم که ارادی و اختیاری است و انسان با اختیار خودش انجام می دهد.

شرور دسته دوم غیر ارادی و طبیعی هستند، مانند سیل، زلزله. بحث شرور رابطه مستقیمی با وجود خدا و اثبات خدا دارد. چون فلاسفه ای که ملحد و بی دین هستند از بحث شر برای اینکه بگویند خدا وجود ندارد، استفاده می کنند. برای اثبات عدم وجود خدا استفاده می کنند. می گویند شما که می گویند خدا عادل است پس چرا شر وجود دارد. پس خدا عادل نیست در نتیجه خدایی وجود ندارد. می گویند عقلانی نیست که هم خدای عادل داشته باشیم هم خدای ظالم.

پاسخ به استدلال های آقای دیوید هیوم در مورد شرور و عدل الهی

دو نفر از مهمترین افرادی که این نظریه و تفکر را دارند خواهیم گفت و رد استدلال های آنها را هم خواهیم گفت. از جمله این افراد آقای دیوید هیوم است. دیوید هیوم از فلاسفه تجربه گرای انگلیسی است. تجربه گرایی یعنی اینکه هر چیزی که انسان می تواند آن را تجربه کند وجود دارد و می شود به آن ایمان آورد. مسائلی که غیر قابل تجربه باشند را نمی شود ایمان آورد. در ظاهر شاید حرف درستی باشد اما در باطن این طور نیست. من و شما قیامت را تجربه نکردیم پس دلیل بر عدم وجود آن نیست. من و شما وحی را تجربه نکردیم پس باید بگوییم وجود ندارد؟ پیامبر و ائمه را تجربه نکردیم و نباید بگوییم نیست. اینها نظریات آقای دیوید هیوم است.



دیوید هیوم فیلسوف تجربه گرای انگلیسی

یکی از منابعی که ما در کلام جدید استفاده می کنیم کتاب مسائل جدید کلامی و فلسفه دین نوشته آقای خسروپناه است که سه جلدی است و مباحث خوبی از کلام جدید را دارد. کسانی که طلبه هستند حتما باید این کتاب را تهیه کنند و بخوانند. چون توصیه مقام معظم رهبری در بحث کلام جدید است و ایشان می گویند منظور من از علم کلام جدید که می گویم کار کنید،

بحث کلام جدید است و این موضوعات باید روی آن خیلی کار شود. منبع دیگر ما هم کتاب کلام جدید آقای دکتر حسن یوسفیان است. کتاب تک جلدی است که برای شروع بحث کلام جدید عالی است. در بحث عدالت و شرور کتاب عدل الهی شهید مطهری کتاب خوبی است که ما خلاصه این سه کتاب را به شما توضیح می دهیم.

آقای خسروپناه در کتاب مسائل جدید کلامی و فلسفه دین، صفحه 128، جلد 1، استدالات هیوم را می آورد. استدلال آقای دیوید هیوم راجب مسئله شر و عدم وجود خدا این است:

آیا خدا می خواهد از شر جلوگیری کند اما توانایی ندارد، در این صورت او ناتوان است. یا او قدرت دارد ولی نمی خواهد، در این صورت او بدخواه است. آیا او هم قادر است هم می خواهد، در این صورت شر از کجا آمده است. چرا اساس بدبختی در جهان وجود دارد. مطمئنا تصادفی در کار نیست، در این صورت ناشی از علتی است، اما کدام علت. آیا از نیت الهی و قصد الهی نشأت می گیرد، اما او که خیرخواه مطلق است. آیا بر خلاف نیت خدا کاری انجام می گیرد، پس او که توانای مطلق است.

پس دیوید هیوم با این سخنان خدا را زیر سوال می برد و می گوید خدایی وجود ندارد. اگر قادر مطلق است که شر را نمی تواند از بین ببرد. اگر خیرخواه است چرا شر وجود دارد.

اما پاسخ هایی که می شود به استدالات آقای هیوم داد. یکی از موارد مهم در بحث پاسخ شبهه را خوب است عزیزان بدانند، اکثر شبهه ها بر این مبانی است و اگر مبانی را شما بزنید شبهه هم رفته است. یعنی شما سعی کنید ابتدای پاسخ به شبهه، مبانی و اساس آن شبهه را بزنید. مبانی را بزنید. متأسفانه برخی بچه مذهبی های ما این طور نیستند. یعنی فقط منتظر هستند که کسی شبهه ای بفرستد و آنها هم چند روز وقتشان را تلف کنند تا به این شبهه پاسخ دهند. ابتدا فکر کنید شاید این شبهه از اساس باطل است. برای مثال از فروش ماشین ها مقداری درصد به جیب رهبری و بیت رهبری می رود. حالا شما یک ساعت توضیح دهید این پول ها به جیب فقرا نمی رود و برای نیازمندان و فقرا استفاده می شود. به جای اینکه یک ساعت پاسخ دهید یک کلمه بگویید سند شما کجاست. اصلا اصل حرف شما غلط و اشتباه است. برخی ها می گویند اگر به طرف بگوییم سند شما کجاست او قانع نمی شود. قانع نشد مهم نیست. مگر هدف قانع کردن همه است. یک عده نمی خواهند قانع شوند و قصد قانع شدن ندارند. پاسخ منطقی همین است که سند شما کجاست. کسی که پاسخ منطقی متوجه نمی شود پاسخ های دیگر را هم متوجه نمی شود. اگر واقعا دلسوز طرف مقابلتان هستید و دوست دارید که رفع شبهه شود به او یاد بدهید. به جای اینکه به او ماهی بدهید به او ماهیگیری یاد بدهید. به او بگویید از لحاظ علمی و فلسفی و هر لحاظی که حساب می کنید هر مطلبی که شما به عنوان شبهه می گوئید باید مستند به یک سند و دلیل و مدرکی باشد و ما بتوانیم آن را از لحاظ علمی تایید یا رد کنیم. وگرنه چیزی که سند ندارد اصلا شبهه نیست. برخی شبهات اصلا پاسخی ندارد چون شبهه نیست، بلکه از اساس باطل است.

در اینجا برای جناب دیوید هیوم باید اساس را بزنیم. کل استدلال دیوید هیوم بر این اساس بود که یک موجود خیرخواه تمام تلاشش از بین بردن شر است و به هیچ عنوان راضی نیست که ذره ای شر به دیگران برسد. اما اصل فرض و اساس فرضیه او

اشتباه است. اتفاقاً یک موجود حکیم است و دارای هدف عالی است، چه خدای متعال چه ما انسان ها یعنی انسان های حکیم، گاهی وجود ناملایمات و سختی ها و شرور را برای رشد و ترقی لازم می داند، وگرنه رشد لذتی نداشت که بدون رنج و سختی به چیزی برسند. دکتری که داروی تلخ به بیمارش می دهد با علم و آگاهی می دهد. می تواند این دارو را ندهد، ولی می داند این داروی تلخ است که بیماری فرد را درمان می کند و کسی هم نمی گوید دکتر ظالم است. دکتر می گوید این دارو تلخ است و ناملایمات است و ممکن است جایی از بدن هم درد بگیرد اما موقتی است و بعد بیماری شما به کل خوب می شود. این ناملایمات را دکتر برای خیر بالاتر تجویز می کند که درمان قطعی است.

شرور مقدمه خیرات هستند، پس این شرور به صورت مطلق شر نیستند و نسبی هستند و باعث برکات هم هستند. برای مثال سیل باعث برکات است. چه کسی گفته سیل شر است. سیل به خودی خود شر نیست. اولاً سیل نیست و باران است. خدا ناگهان که سیل نمی آورد. این طور نیست که ناگهان از زیر زمین آب بجوشد و سیل بیاید. خدا باران را نازل می کند و باران رحمت است و آب های زیرزمینی ما را تقویت می کند و برکات دارد. آب های دریا را زیاد می کند و برای آبیان برکت دارد. آب های پشت سد را پر می کند تا کم آبی را از بین ببرد. خدا باران را فرستاد. این بی عرضگی برخی مسئولین است که نمی توانند از باران استفاده کنند و تبدیل به سیل می شود. این ربطی به خدا ندارد. خداوند برکت خودش را می آورد. نمی توانیم بگوییم این سیلی که می آید شر است. بلاهایی است اما برکات فراوانی دارد. پس ما شر مطلق در این عالم نداریم. برخی شرها نسبی هستند. حتی وجود شیطان شر نسبی است. کسی بیشتر با نفس خود و شیطان درونی خودش مبارزه کند قطعاً رشد و ترقی او بالاتر است. ما به این طرف نگاه نمی کنیم. فقط می گوییم چرا خدا شیطان را آفرید که ما را گمراه کند، در حالی که نباید گمراه شوید. اگر گمراه نشوید به درجات بالاتر می رسید. اینکه شر نیست. شیطان نبود و همه به بهشت می رفتیم دیگر فایده ای نداشت. البته در اینجا توضیح بیشتری خواهیم داد.

اکثریت این جهان خیرات هستند. اگر یک سری شرور اندکی در این دنیا وجود دارد، یا معلول هوای نفس آدمی است که انسان ها هستند که این شرها را ایجاد می کنند مانند جنگ، یا مقدمه ای است برای خیر بالاتر که همان بلا و امتحان است. راجب اینها توضیحات بیشتر خواهیم داد.

پاسخ به استدلال های آقای جی. ال. مکی در مورد شرور و عدل الهی

نظریه بعدی نظریه آقای جی ال مکی است. جناب آقای مکی از فیلسوفان انگلیسی قرن بیستم است. او هم تقریباً هم نظر با دیوید هیوم است. نظر او هم این است که شرها باعث می شود که بگوییم خدا نیست. استدلال های او چنین است: خدا قادر مطلق است و چون قادر مطلق است پس خیرخواه محض هم هست، با این حال اما شر وجود دارد، پس در این بین تناقض محض وجود دارد. از طرفی خدا می تواند شر را بردارد اما بر نمی دارد.



فیلسوف انگلیسی قرن بیستم

اما پاسخ این است که اگر اثبات شود خدا خیرخواه محض است و قادر مطلق است، خود به خود بحث تمام می شود و وجود شرور را هم می توانیم توجیه کنیم و پاسخ دهیم، مانند پاسخی که به هیوم دادیم که شرور مطلق نیستند و نسبی هستند و باعث خیرات هم هستند. اینکه خدا عادل و خیرخواه و قادر است، بارها و بارها اثبات شده است.

ثانیا اینکه آقای مکی می گوید خدا قادر مطلق است این به چه معناست و منظور به کدام مطلق هاست و کدام کارها را می تواند انجام دهد. آیا چیزی که ذاتا محال هست را خدا می تواند انجام دهد. خدا انجام نمی دهد چون عقلانی نیست و ذاتا محال است. از لحاظ علم فلسفه بحث می شود. یعنی خدا می تواند مربعی بسازد که دایره شکل باشد. خوب این ذاتا محال است. ذات مربع این شکلی است. خدا می تواند قفلی بسازد که نتواند خودش آن قفل را باز کند. این کار اصلا حکیمانه نیست و ذاتا محال است. چیزی که ذاتا محال است و کسی نمی تواند انجام دهد به آن ناتوان نمی گویند. برای مثال استاد ریاضی را بیاورید و به او بگویید کاری کن که $2 + 2$ برابر 5 بشود. نمی تواند چون ذاتا محال است، نه اینکه استاد ریاضی ناتوان باشد. برخی کارها محال ذاتی است و نمی شود انجام داد. در ضمن برخی کارها حکیمانه نیست نه اینکه توانایی نداشته باشد. مثل اینکه خداوند بهشتی ها را به جهنم ببرد. خدا می داند اما حکیمانه نیست. برای مثال شما چاقو را بگیرید. آیا می توانید به چشمتان بزنید. این توانایی را دارید اما انجام نمی دهید چون حکیمانه نیست. پس آقای مکی که می گوید خدا قادر مطلق است در حیطه کدام کارهاست. در حیطه کارهای عقلانی و کارهایی که ذاتا محال نیست.

یک پاسخ هم می توانیم از همین استدلال آقای هیوم بدهیم. به این جملات اصطلاحا جملات انتحاری می گوییم. جملاتی که خودش، خودش را نقض می کند. متأسفانه جوانان امروزی جملات کانت و دکارت را می گویند که هیچ چیز مطلق در این عالم وجود ندارد. دکتر سروش از این مزخرفات زیاد می گوید. می گوید هیچ چیز مطلق و حقیقت مطلق در این عالم وجود ندارد. این حرفها را می زنند که نگویند شیعه برحق است، یا نگویند خدا فلان است. شما به جای اینکه سه ساعت پاسخ فلسفی به این شبهه بدهید از شخص مقابل سوال می پرسید هیچ چیز مطلق در جهان وجود ندارد و او می گوید: بله چیز مطلق وجود ندارد. پاسخ این است که خود این جمله الان مطلق است یا خیر. اگر بگوییم مطلق است خودش پاسخ خودش را می دهد که هر چیز مطلق در جهان داریم. اگر بگویید مطلق نیست پس این جمله هم نسبی است. پس این جمله هم علمی نیست که بشود به آن

استناد کرد. پس حرف شما هم غلط است. استدلال آقای مکی هم همین است که می گوید خدا قادر مطلق است و می تواند هر کار، حتی محال ذاتی را انجام دهد چون گفته قدرت خدا هیچ حد و مرزی ندارد حتی محالات عقلی. اینجا می توانیم بگوییم چه ایرادی دارد که خدای قادر متعال هم شر بیافریند و هم خیر، هر چند باعث تناقض هم شود. مگر نگفتید که قادر متعال است و می تواند همه کار انجام دهد، پس این کار را انجام می دهد و ربطی به قادر بودنش ندارد.

آقای مکی گفت خدا قادر متعال است و هر کاری می تواند انجام دهد و قدرت او حد و مرز ندارد. آقای مکی گفت اگر خدا این طوری است پس چرا شر وجود دارد و این طور خدا را زیر سوال برد. ما می گوییم اگر خدا همین است و همه کار می تواند انجام دهد حتی محالات عقلی، پس خدا می تواند شر را هم بیافریند. پس این جمله مکی خودش پاسخ خودش را داد.

نفی شرور هم محال منطقی است. چون محال منطقی است خدا شرور را از بین نمی برد، چون این شرور لازمه برخی خیرات بالاتر است و به نگاه شر نباید به آن نگاه کرد. لازمه خیرات بالاتر است.